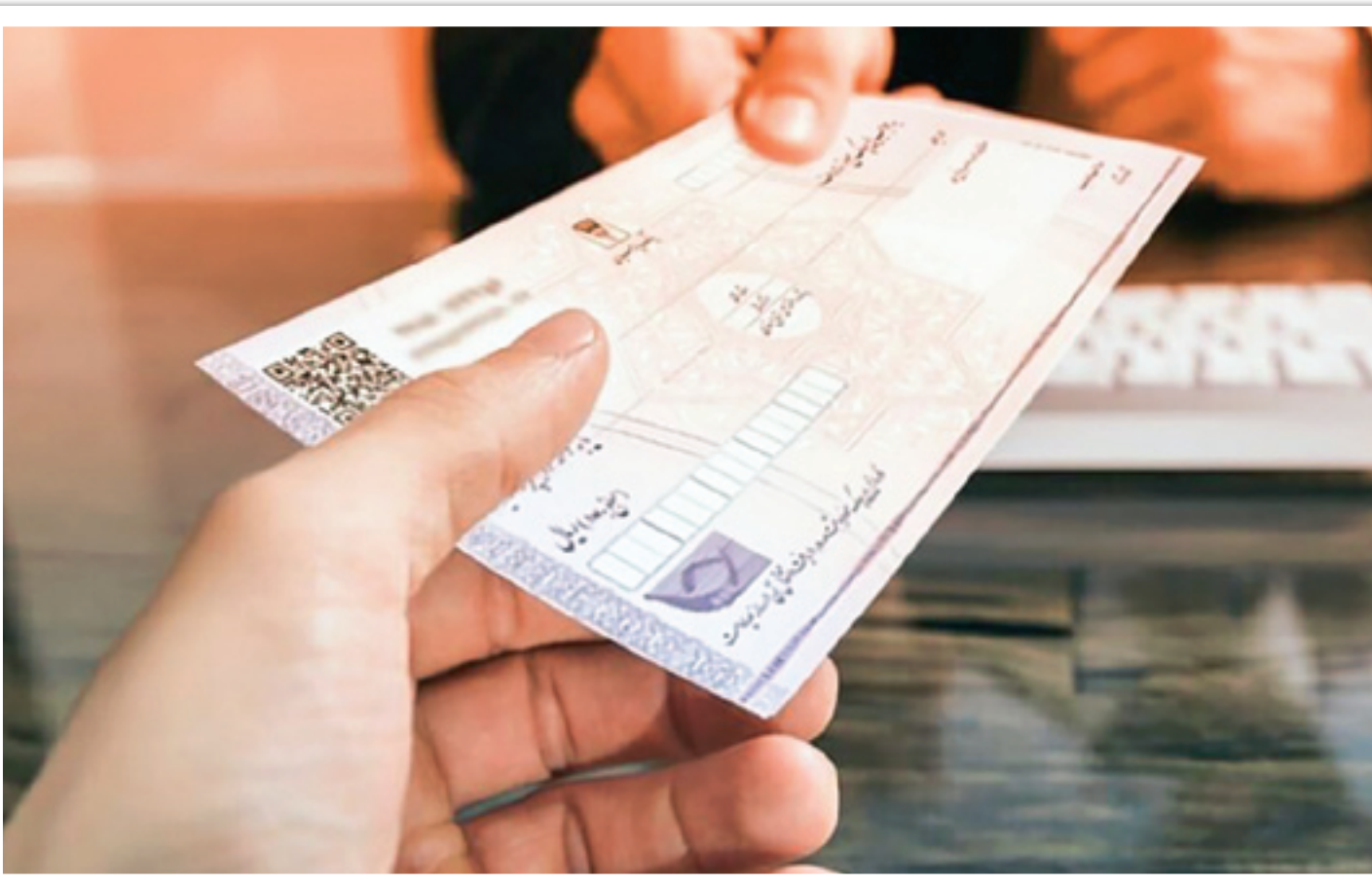


اصلاح قانون چک و تقویت ضمانت اجراها

«قانون» راه فرار از پرداخت چک را بست

با اصلاح قانون صدور چک و اجرای دستورالعمل‌های جدید بانکی امکان امتناع از پرداخت بدهی کاهش یافته و حقوق دارندگان چک بیش از گذشته تضمین شده است



نیم خسروطاهی/السناء

تا سال ۱۳۹۷ آمار برگشتی‌های چک نشان می‌داد چک در حال تبدیل شدن به کاغذی بی‌اعتبار است. با اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ و دستورالعمل اجرایی چک الکترونیک در سال ۱۴۰۲، میزان چک‌های برگشتی کاهش یافت و اعتبار تا حد زیادی به این ابزار مبادله‌ای بازگشت. در طی کردن روند بهبود شرایط این اوراق، تصمیمی جدید در حال اجرایی‌شدن است و مبالغ واریزی به حساب‌های مسدود شده به سبب چک برگشتی تا رفع سوء اثر غیر قابل برداشت می‌شوند.

دستورالعمل سابق انسداد و رفع انسداد وجوه حساب بانکی و چک برگشتی به دلیل اهمیت چک در نظام مالی و اقتصادی کشور ما، علاوه بر قانون تجارت، یک قانون خاص، برای این سند تجاری، تصویب شده است. قانون صدور چک که در سال ۱۳۵۵ به تصویب رسیده، در سال‌های بعد و با توجه به نیازهای روز جامعه،

اصلاح شده و با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. فروردین ۱۴۰۳ بانک مرکزی دستورالعمل الزامات و فرایندهای اجرایی تکالیف قانونی ناظر بر انسداد وجوه حساب‌های بانکی متعلق به صادرکننده چک برگشتی و نحوه رفع انسداد از وجوه مسدود شده در اجرای دستورات، آرا، اجرائیه‌های واصله از مراجع ذی صلاح قضایی و ثبتی را به شبکه بانکی ابلاغ کرد. مطابق این دستورالعمل، در صورت رفع مسدودی مبلغ مسدود شده در حساب‌های بانکی، مبلغ پرداخت شده از حساب مذکور در سامانه «محچک» کماکان مسدود در نظر گرفته می‌شود، اما حین رفع سوء اثر چک برگشتی، پس از فراخوانی

سرویس رفع انسداد از طریق محچک برای حساب مذکور، کد خطای شماره ۱۴ با عنوان «مشخصات کلیدی به صورت غیربر خط اعمال شده است»، از سوی بانک عامل ارسال می‌شود. در این حالت سامانه محچک با فرض رفع انسداد حساب بنا بر دستور آرای/اجرائیه واصله از مرجع قضایی یا ثبتی، فرایند برنامهریزی شده را ادامه می‌دهد و مبالغ مسدودشده در سایر حساب‌های صادرکننده چک را رفع انسداد می‌کند. به طور کلی همانطور که در متن خود دستورالعمل هم خوانندید در این شرایط طلبکار کماکان نمی‌توانست ید برتر را در وصول مطالبات خود داشته باشد. توقیف مال و بلوک حساب تنها ناظر بر مبلغ موجود در حساب بود، در حالی که ممکن بود در حساب بدهکار اصلاً مبلغی نباشد که مسدود شود یا حتی مقادیر خرد در حساب موجود باشد، بدهکار تنها مبلغ موجود در حساب را موقتاً از دست می‌داد و با رفع سوء اثر مبلغ بلوکه‌شده نیز به او بازمی‌گشت.

انسداد حساب در دستورالعمل جدید چک برگشتی این دستورالعمل که قرار است طی یک ماه آینده اجرایی شود، به افزایش قدرت دارنده چک منجر می‌شود و صادرکننده متخلف را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهد. بر اساس دستورالعمل جدید، پس از مسدودسازی اولیه مبالغ موجود در حساب به دلیل چک برگشتی، هر مبلغی که بعداً به این حساب واریز

شود به طور خودکار تا سقف مبلغ چک برگشتی مسدود خواهد شد. این به آن معناست که صاحب چک دیگر نباید نگران خالی شدن حساب یا انتقال منابع باشد. همانطور که پیش از این اشاره کردیم سابقاً صاحب حساب بلوکه‌شده می‌توانست از مابه‌التفاوت مبلغ حساب خوب بدون ادای دین بهره ببرد، به این صورت که اگر وجه چکی ۲۰۰ میلیون تومان بود، اما صادرکننده چک در حساب خود ۲۵ میلیون تومان داشت، آن ۲۵ میلیون بلوکه می‌شد و اگر در روزهای آینده مبلغی به حساب مزید می‌شد، صاحب حساب امکان استفاده از مبلغ را داشت اما در حال حاضر مبلغ مزید شده نیز بلوکه می‌شود تا زمانی که ۲۰۰ میلیون (مذکور در مثال) تکمیل شود یا رفع سوء اثر دارنده حساب انجام بگیرد. این مکانیسم تضمین می‌کند که دارنده چک در اولویت اول برای دریافت طلب خود قرار دارد. هر ریالی که به حساب وارد شود، قبل از هرگونه برداشت دیگری، به حساب دین دارنده چک بلوکه می‌شود. این تغییر اساسی در نظام چک‌های برگشتی، نشان‌دهنده عزم جدی قانونگذار برای

مقابله با صدور چک بلا محل و افزایش امنیت معاملات تجاری است؛ تحولی که می‌تواند اعتماد از دست رفته به چک را دوباره برگرداند. **از تحول در حقوق طرفین تا ارتقای سیستم‌های بانکی** دستورالعمل جدیدی را می‌توان از چند منظر کلیدی بررسی کرد: **۱. تحول در حقوق طلبکاران:** با بلوکه شدن خودکار مابقی مبلغ به نوعی می‌توان گفت طلبکار بدون آنکه حکم قضایی داشته باشد، مشمول تأمین خواسته می‌شود. از طرفی با مسدودسازی خودکار تمامی واریزهای آتی، عملاً دارنده چک به عنوان طلبکار اولویت اول شناخته می‌شود و لازم نیست وارد صف غرما شود.

۲. مکانیسم اجرایی هوشمند: سیستم به گونه‌ای تعریف شده است که نیاز به اقدام مجدد دارنده چک ندارد و به محض واریز هر مبلغی به حساب، سیستم به طور خودکار آن را تا سقف مبلغ چک مسدود می‌کند. **۳. اثر بازدارندگی:** این قانون اثر بازدارندگی قوی علیه صدور چک بی‌محل دارد. صادرکننده می‌داند که هرگونه واریز بعدی به حسابش بلافاصله مسدود خواهد شد و به سبب متوقف نشدن چرخه اقتصادی خود نیز زودتر برای تکمیل وجه اقدام خواهد کرد. **۴. تأثیر بر نظام پرداخت:** این تغییر می‌تواند اعتماد به چک را افزایش دهد، ریسک معاملات چکی را کاهش دهد، زمان وصول طلب را کوتاه کند و از اختلافات قضایی بکاهد.

۵. ملاحظات فنی: پیاده‌سازی این سیستم نیاز به ملاحظات فنی نظیر آپدیت سامانه‌های بانکی، آموزش کارکنان بانک‌ها و آگاهی بخشی به عموم مردم دارد.

نتیجه‌گیری

چک، به عنوان مهم‌ترین و پرکاربردترین سند در میان اسناد تجاری، به دلیل ویژگی‌های خاص تجاری و کفبری‌ای که دارد همواره در کشور ما از توجه ویژه قانونگذار برخوردار بوده است. به دلیل همین اهمیت است که قانونگذار، صرفاً به قانون تجارت بسنده نکرده و برخلاف سفته و برات، یک قانون خاص با عنوان قانون صدور چک را به نحو اختصاصی، برای این سند تجاری تصویب کرده است، اما در عمل این قانون خاص نیز به تنهایی نتوانست نیاز بازار و مردم استفاده‌کننده از اسناد تجاری را تأمین کند، بنابراین دستورالعمل‌های پی‌درپی به دنبال تسهیل و تضمین استفاده از چک بودند. هر ریالی که به حساب وارد شود، قبل از پیش‌تضمین‌شد و اعتبارات نظام مالی قوت یافت، به گونه‌ای که تضمین وجه و بلوک مبالغ می‌توانند تکمیل دین را برای طلبکار رقم بزنند.

رانندگان به نرخ روز خسارت دریافت می‌کنند



کنند، همچنین مطابق تبصره ماده ۳۶ در صورت تأخیر در پرداخت خسارت، بیمه‌گر موظف است آن را به نرخ بوم‌الادا پرداخت کند. این تبصره صراحتاً عنوان می‌کند: اگر شرکت بیمه پرداخت خسارت بدنی را معطوف به رأی دادگاه کند، نمی‌تواند بابت مابه‌التفاوت خسارت پرداختی و میزان تعهد وی (موضوع ماده ۱۳) این قانون) به صندوق رجوع کند. در نهایت با جمع‌بندی این مواد به این نتیجه می‌رسیم که راننده مقصر در صورت آسیب بدنی، از حمایت بیمه‌ای برخوردار است و تأخیر در پرداخت نباید موجب کاهش ارزش واقعی خسارت شود.

منظور از بوم‌الادا چه زمانی است؟

بوم‌الادا در اصطلاح حقوقی به معنی روز پرداخت است، نه روز

رسمیت شناخت. پیش از این برخی محاکم، راننده مقصر را از دایره حمایت خارج می‌کردند.

معایب و محاسن حقوقی رأی دیوان

بر کارشناسان بیمه معتقدند این رأی می‌تواند موجب افزایش بار مالی شرکت‌های بیمه شود و در بلندمدت نرخ حق بیمه را تحت تأثیر قرار دهد، پرویز خوشکلام خسروشاهی، رئیس کل بیمه مرکزی نیز در این خصوص گفت: این رأی وحدت رویه پیامدهایی برای مردم و صنعت بیمه خواهد داشت. بر اساس آمار ۱۴۰۳، نزدیک ۳۹ میلیون راننده باید متحمل افزایش در حق بیمه حوادث راننده و خرید الحاقیه شوند تا به ۶۸ هزار راننده مسبب حادثه، خسارت به صورت بوم‌الادا پرداخت شود، همچنین این امر حداقل در چند سال اول ممکن است بر ناترازی برخی شرکت‌های بیمه دامن بزند، اما در مقابل، مدافعان رأی، آن را گامی در راستای عدالت و حمایت از آسیب‌دیدگان عنوان می‌کنند، با این همه رأی وحدت رویه اخیر چند ویژگی برجسته دارد. در این رأی بر عدالت جبرانی تأکید شده (پرداخت خسارت به نرخ روز و جلوگیری از کاهش ارزش واقعی آن)، مفهوم زیان‌دیده به طور موسع تفسیر شده (مستحق بودن راننده مقصر از حمایت) و از اصول تطبیقی پیروی کرده (در بسیاری از کشورها راننده مقصر نیز تحت حمایت بیمه قرار می‌گیرد) و در نهایت به تقویت اعتماد عمومی نسبت به نظام بیمه‌ای منجر شده، حمایت از راننده مقصر نشان‌دهنده نگاه انسانی و حمایتی قانون است.

نتیجه‌گیری

رأی وحدت رویه اخیر دیوان عالی کشور نقطه عطفی در حقوق بیمه‌ای محسوب می‌شود. این رأی با تکیه بر اصول قانونی انصاف و حمایت از زیان‌دیدگان، راننده مقصر را نیز در صورت آسیب بدنی، مستحق دریافت خسارت آن هم به نرخ روز از بیمه‌گر می‌داند. این تحول نه تنها رویه قضایی را متاثر از خود کرد بلکه در فهم عمومی از عدالت بیمه‌ای نیز اثرگذار بود.

یادداشت

تقاضای قانون اساسی با آموزش طبقاتی»

نیره ساری

آموزش رایگان، باکیفیت و در دسترس برای همگان، یکی از اصول بنیادین هر نظام عادلانه‌است. اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دقیقاً با همین نگاه تدوین شده و دولت را موظف دانسته و سایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه ملت فراهم سازد و تحصیلات عالی را تا مرز خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد (دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد) اما شواهد آماري حکایت از آن دارد که این اصل قانون اساسی، عملاً به حاشیه رانده شده است.

طبق آمار اعلام شده از رتبه‌های برتر کنکور امسال، مدارس سمپادی (تیزهوشان) ۷۸ درصد، مدارس غیرانتفاعی ۱۰ (درصد و مدارس نمونه دولتی ۸ درصد سهم داشتند. دیگر وجه جالب آمارهای اعلامی، این است که ۳۰ درصد رتبه‌های برتر تهرانی هستند و از بین ۴۰ رتبه برتر ۳۴ نفر ساکن مراکز استان هستند و فقط شش نفر از رتبه‌های برتر ساکن شهرهای نیشابور، اسلامشهر، قرچک، خدابنده، کاشان و مراغه بودند. مطابق آمارها همانگونه که در سال‌های اخیر هم مشاهده شده است، فرزندان دهک‌های بالای اقتصادی که در مدارس خاص، غیردولتی یا سمپاد تحصیل می‌کنند، در صدر قبولی‌های دانشگاه‌های برتر قرار دارند. در واقع قانون رفته‌رفته راز ظهور و گسترش مدارس لوکس در مسیر دیگری قرار گرفته است. دولت اگر چه به هر شکلی توانسته تاحدودی آموزش را با کمترین هزینه ارائه کند، ولی در بحث برقراری فرصت برابر بین دانش‌آموزان در رقابت‌های علمی از جمله کنکور ناکام مانده است. در دوره‌ای مسئولان با مصلحت و توجیه، اصل ۳۰ قانون اساسی را دور زدند و در آن دوره گفته شد با تأسیس مدارس غیرانتفاعی امکان خدمات‌رسانی به مردم و طبقات مستضعف افزایش پیدا می‌کند، ولی عدد و رقم پژوهش‌های انجام شده به صراحت نشان می‌دهد خلاف این موضوع رخ داد و از زمانی که مدارس غیرانتفاعی آمدند و بسط پیدا کردند، به تدریج توزیع خدمات آموزشی دولت در مناطق مختلف کاهش پیدا کرد. علاوه بر اصل ۳۰، اصل سوم قانون اساسی، دولت را موظف به ایجاد «امکانات عادلانه و رفع تبعیضات ناروا برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» کرده است و اصل ۲۰ نیز بر برابری همه مردم در برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد اما سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های چند دهه اخیر، مسیر آموزش کشور را به سمتی برده‌اند که عدالت، جای خود را به آموزش طبقاتی داده است.

افزون بر این اصول قانون اساسی، بند ۳ از فصل پنجم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی اشاره و تأکید دارد. در واقع بر اساس قوانین موجود همه دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند، یعنی همه آنها حق موفقیت دارند. آموزش با صراحت در قانون اساسی رایگان معرفی شده و بنا بر اصل متولیان دولت است. اصل ۳۰ قانون اساسی، مسیر کلّی نظام آموزش و پرورش کشور را تعیین کرده است و آموزش رایگان را حق همه ملت می‌داند. اگر این اصل را به عنوان هدف نظام آموزشی بنه‌ذرییم، شرایط باید به گونه‌ای رقم بخورد که همه دانش‌آموزان به یک اندازه فرصت رشد و ترقی داشته باشند، اما شاهد هستیم که در عمل این اتفاق نمی‌افتد و حتی کد رشته‌های خوب کنکور نیز در اختیار دانش‌آموزان و خانواده‌های مناطق پر خوردار تر قرار می‌گیرد، به عبارتی دیگر اکثر رتبه‌های برتر کنکور هم شرایط اقتصادی و اجتماعی برتری داشتند که باینگر تفاوت در دسترسی به فرصت‌های برابر است.

عدالت در دسترسی به فرصت‌های تحصیلی، یکی از وظایف دولت‌هاست. نظام آموزشی موظف است شرایطی را فراهم کند که افراد فاخر تحصیل از دبیرستان در صورت تمایل بتوانند در یک رقابت برابر وارد دانشگاه شوند و در رشته مورد نظرشان تحصیل کنند، حال آنکه ورودی دانشگاه‌های دولتی دیگر متعلق به همه اقشار جامعه نیست، بلکه بیشتر به دانش‌آموزانی تعلق دارد که از نظر اقتصادی در دهک‌های بالا قرار دارند.

رشد قارچ گونه مدارس غیردولتی، جداسازی دانش‌آموزان بر اساس توان مالی با استعداد تحصیلی، کم‌رنگ‌شدن کیفیت آموزش در مدارس دولتی و توزیع ناعادلانه معلمان باتجربه بین مناطق، بخشی از نشانه‌های این بی‌عدالتی است. جالب آنکه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به صراحت بر گسترش عدالت آموزشی و تأمین فرصت‌های برابر تأکید شده است.

از سخنان مقامات تا آمارهای رسمی و حتی رویه فعلی آموزش در مدارس چیزی جز افزایش شکاف طبقاتی و فاصله آموزشی بین طبقات فروستد و طبقات پر خوردار دیده نمی‌شود. برخی از مسئولان، روزگاری تأسیس مدارس غیردولتی را راهی برای «ارتقای کیفیت» یا «افزایش ظرفیت» معرفی کردند اما امروز روشن است که این سیاست، بیشتر به تثبیت جایگاه طبقه مرفه در ساختار آموزش منجر شده است.

مدارس غیرانتفاعی، بنگاه‌هایی اقتصادی شده‌اند که با شهریه‌های سنگین، مسیر موفقیت آموزشی را برای فرزندان دهک‌های بالا باز می‌کنند، در حالی که فرزندان کارگران، روستاییان و اقشار کم‌برخوردار، بلکه فرسوده با معلمان کم‌تجربه، از همان ابتدا از رقابت حذف می‌شوند.

آیا همه دانش‌آموزان ما به یک اندازه می‌توانند یاد بگیرند؟ آیا سیاست‌های موجود در راستای تحقق عدالت آموزشی است؟ آیا بهترین و باتجربه‌ترین معلمان به مناطق محروم فرستاده می‌شوند؟ متأسفانه جواب‌ها به این پرسش‌ها منفی است. سیاست امروز ایجاد انواع مختلفی از مدارس است و به پنهان‌های مختلف دانش‌آموزان باانگیزه از مابقی دانش‌آموزان جدای می‌شوند. تعدادی به مدارس تیزهوشان می‌روند و یکسری با از مومن به نمونه دولتی فرستاده می‌شوند. جالب اینکه طبق گفته مسئولان آموزش و پرورش قرار بوده مدارس نمونه دولتی در مناطق محروم باشند اما عجب است که چطور از مناطق شهری سردر آورده‌اند.

عدالت آموزشی یکی از امور لازم در جامعه است و اصل ۳۰ قانون اساسی نیز وظیفه تحقق عدالت آموزشی را بر عهده دولت گذاشته اما متأسفانه این امر آن گونه که باید تحقق نیافته است، هر چند آموزش با کیفیت هم‌تراز با جیب پدران شده اما در عوض ناترازی عدالت آموزشی را شاهد هستیم. تفسیر مدیران از قانون فقط در حد حرف باقی مانده است و تا وقتی آموزش عمومی بر اساس وضعیت اقتصادی خانواده‌ها طبقه‌بندی می‌شود و بهترین معلمان به مناطق مرفه اختصاص می‌یابند و تا وقتی مدارس خاص، گلچین شده از ثروتمندترین و با امکانات‌ترین دانش‌آموزان هستند، عدالت در آموزش یک رویاست و در این میان، اصل ۳۰ قانون اساسی، اجرا نمی‌شود و عملاً از طریق رویه‌های نانوشته و گاه قانونی نقض می‌شود. دولت، مجلس، آموزش و پرورش و نهادهای نظارتی اگر واقعاً به قانون اساسی پایبند باشند، باید پاسخ دهند، چرا آموزش رایگان و برابر، سهم همه نیست؟!